

این مقاله در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ در دوفصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی،
مورد پذیرش قرار گرفته و در شماره ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ منتشر خواهد شد.

DOI: 10.22034/JCLC.2023.377941.1789

ارزیابی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از منظر سیاست جنایی ریسک‌مدار

۱- امین نصر (نویسنده مسئول)، دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران،

دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران amiinnasr@yahoo.com

۲-راضیه قاسمی، استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

razie2517ghasemi@yahoo.com

چکیده

امروزه دیدگاه‌های نظری و اقتضائات عملی، سبب شده است تا اندیشه‌های مدیریتی مدرن، تحولات فراوانی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها ایجاد کند. به‌جرات می‌توان ادعا نمود مفهوم جرم نیز یکی از مفاهیمی است که پیوسته در حال تغییر بوده و همین امر، نظام عدالت کیفری را بر آن واداشته است تا به ارائه راهکارهای مدیریتی نوین در جهت کنترل نرخ ارتکاب جرایم بپردازد. سنجش و مدیریت ریسک جرم که بعد از سقوط نظریه اصلاح و درمان مجازات‌ها مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفت، رویکردی نوین در علوم جنایی است که پیدایش آن تأثیرات قابل توجهی در نظام‌های عدالت کیفری به‌دنبال داشته است. این رویکرد باهدف سلب توان بزهکاری و به‌منظور افزایش امنیت اجتماعی، تأثیرات بسیاری در حوزه‌های عملی و سیاست‌گذاری-های عدالت کیفری معاصر بر جای گذاشته است. امروزه به‌دنبال ضرورت‌های عملی حاکم بر سیاست‌گذاری‌های کیفری، جهت-گیری کنونی نظام کیفری ایران، به‌منظور کاهش میزان بزهکاری از طریق شیوه‌های مدیریتی، به رویکرد مذکور سوق پیدا کرده است. در این راستا درجه‌بندی مجازات‌ها، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، نظام نیمه آزادی و... از اقدامات مهم ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در تعیین مجازات می‌باشد. از این‌رو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به‌عنوان واپسین اراده سیاست‌گذاران جنایی، با وضع اصلاحات بنیادین در ق.م.ا به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. لذا مقاله پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی، به تتبع سنجه‌های سیاست جنایی ریسک‌مدار در قانون مزبور خواهد پرداخت. یافته‌ها حاکی از آن است بسترهای پیاده‌سازی مدیریت ریسک جرم در این قانون با چالش روبه‌روست و فقدان یک مبنای نظری مشخص در تعیین کیفر نیز، مهم‌ترین ایراد وارده بر آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مدیریت خطر جرم، مدیریت ریسک، ریسک جرم، کیفر زدایی.

کیفر، شدیدترین و مهم‌ترین واکنش در مقابل جرم است که از دیرباز تا کنون توجیه آن توسط فلاسفه و اندیشمندان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و به نظر می‌رسد دو رویکرد سزاگرایی^۱ و فایده‌گرایی^۲ به عنوان مهم‌ترین نظریه‌های رقیب در فلسفه کیفر، برای توجیه آن ارائه شده است. اندیشمندان رویکرد سزاگرا به دلیل آن که بزهدکار با رفتار خود نظم اخلاقی جامعه را مختل نموده، آن را مستحق مجازات می‌دانند و اعمال کیفر را یک قاعده اخلاقی برای اجرای عدالت بیان کرده‌اند.^۳ سزاگرایان، بر این باورند که مجازات بدون هر فایده و نتیجه‌ای لازم است و فقدان آن را نقصی برای زندگی اجتماعی محسوب می‌کنند. از نظر آن‌ها مجازات، پاسخ طبیعی به جرم است و هر انسانی که مرتکب جرمی شود، باید نسبت به آن واکنش نشان داد، لذا دیدگاه سزاگرایان معطوف به گذشته است و آینده برای آن‌ها اهمیتی ندارد و بر این باورند که جرم به گذشته بزهدکار مربوط است. لذا مجازات وسیله‌ای برای جبران گذشته خواهد بود. از برجسته‌ترین نظریه پردازان این اندیشه امانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) است. کانت معتقد است هدف از اجرای مجازات، اجرای عدالت است و عدالت تنها چیزی است که به زندگی انسان ارزش می‌بخشد؛ لذا هنگامی که بزهدکار با انجام رفتاری نظم اخلاقی جامعه را مختل نموده است، باید متناسب با آن رفتار پاسخ داده شود و نظم مختل شده با اجرای مجازات اعاده گردد.^۴ بنابراین در این رویکرد تنها وسیله اجرای عدالت، مجازات است. کانت با ارائه تمثیل جزیره متروک، مردمان جامعه‌ای که در حال فروپاشی می‌باشد را مکلف به اجرای مجازات یک بزهدکار کرده و آن جامعه مکلف است قبل از فروپاشی به اجرای مجازات بپردازد؛ زیرا مجازات مکافات عمل است و کیفر برای ارضای اخلاق است و هر کیفری در مقابل تعدی و تجاوز بزهدکار به آن تحمیل خواهد شد.^۵ لکن اندیشمندان رویکرد فایده‌گرا، اجرای کیفر را با منافع حاصل از اجرای آن برای جامعه توجیه نموده و بر این اعتقادند که اعمال مجازات نه به منظور تحمل درد و رنج بزهدکار، بلکه به جهت پیشگیری از جرم و بازدارندگی از منظر مجازات است.^۶ فایده‌گرایان مجازات را بر اساس فایده و سودی که از آن حاصل می‌شود توجیه کرده. در این رویکرد مجازات هدف نیست، بلکه گذری برای رسیدن به اهداف است و باید به این گذر تا جایی بها داد، که منتهی به رسیدن به اهداف می‌شود.^۷ مشهورترین نظریه پرداز این رویکرد، ژرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) است. بنتام تمامی ارزش‌های اساسی و اعمال و اندیشه‌ها را بر اساس لذت و رنج توجیه می‌کند و از نظر او عملی خوب و پسندیده است که منافع آن بیشتر از درد و رنج حاصل از آن است، لذا در این رویکرد انسان موجودی حسابگر محسوب شده و قدرت انتخاب در تشخیص اعمال خوب و بد خود را دارد تا پس از سنجش سود و ضرر اعمال خود اقدام به اتخاذ تصمیم نماید، از این‌رو انسان حسابگر در ارتکاب جرم نیز سود و ضرر رفتار خود را سنجیده و چنانچه درد و رنج حاصل از ارتکاب جرم بیش از منافع آن باشد، از ارتکاب رفتار مجرمانه خودداری خواهد کرد.^۸ لذا در این رویکرد کیفر زمانی ارزشمند محسوب می‌شود، که از ارتکاب جرم پیشگیری نماید و ازین طریق بیشترین فایده و خیر را برای جامعه حاصل کند. بر این اساس نظریات اندیشمندان مکاتب سزاگرایان و فایده‌گرایان که مبتنی بر سزادهی، بازدارندگی و سلب توان بزهدکاران ارائه شده بود، زمینه‌ساز توسل جوامع به انواع مجازات‌ها گشته بود؛ از این‌رو به دنبال توسعه علوم انسانی و

^۱ . Punishment

^۲ . Retribution

^۳ . Utilitarianism

^۴ . هما داوودی گرمارودی، «مکتب نئوکلاسیک نوین و احیاء رویکرد سزادهی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (۱۳۸۴)، ۶۸، ۱۴۸.

^۵ . محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ چهل و یکم، (تهران: نشر میزان ۱۳۹۴)، ۱۰۹.

^۶ . حجت سبزواری نژاد، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سوم، (تهران: نشر جنگل ۱۳۹۴)، ۴۸.

^۷ . رضا فرج‌الهی، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، (تهران: نشر میزان ۱۳۸۹)، ۲۲۸.

^۸ . سید محمد حسینی و امید رستمی غازانی، «جنبه‌های حقوقی، فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی مجازات»، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری (۱۳۹۷)، ۹، ۹۸.

^۹ . اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ۱۱۴.

جرم‌شناختی و...، لزوم عقلانی ساختن نظام مجازات‌ها مطرح شد. در این باره اندیشمندانی معتقد بر این بوده که حمایت از جامعه با توسل به ابزارهای زرادخانه کیفری میسر نیست و می‌توان علاوه بر توسل به پاسخ‌های کیفری، از روش‌های مفید و مؤثر پاسخ‌های غیرکیفری نیز استفاده کرد. در همین راستا دو رویکرد بازپروری^{۱۱} و عدالت ترمیمی^{۱۲} با رویکرد بنیادین دیگر با عنوان حق بر مجازات نشدن مطرح گردید^{۱۳} و با توجه به حقوق بنیادین فردی مانند حق بر کرامت انسانی، حق بر زندگی، حق بر آزادی و امنیت، نوآوری‌های جدیدی در جهت پاسخ‌دهی غیرکیفری به جرم مانند تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و اعمال مجازات‌های جایگزین حبس و... وضع گردید.

وانگهی صرف نظر از مبانی فلسفی توجیه کیفر، مواضع سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان نظام عدالت کیفری، تحت تأثیر ضرورت‌ها و نیازهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است و ضرورت‌هایی همچون، تورم افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها، هزینه‌های گزاف اداره زندان‌ها و افزایش نرخ تکرار بزهکاری، موجب شده است که سیاست‌گذاران جنایی در مقام کیفرگذاری و کیفردهی، برخی از مبانی نظری حاکم بر کیفر را نادیده انگارند و با توسل به سیاست‌های عمل‌گرایانه که تحت تأثیر ملاحظات سیاسی دستگاه‌های متولی امنیت قرار دارد، با توجه به برخی از مصلحت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به‌طور مقطعی در مقابل برخی از پدیده‌های مجرمانه و یا مقتضیات روز جامعه در مقام تعیین کیفر، اقدام به اتخاذ تصمیم نمایند.^{۱۴} در همین راستا توسل به رویکردهای کیفری نوین از جمله سنجش و مدیریت ریسک جرم^{۱۵} مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفته که با یک نگرش هزینه-فایده، در راستای کنترل و تقلیل بزه و بزهکاری، روی به کاهش کیفر و حبس زدایی آورده‌اند. در این رویکرد، اداره مؤثر و کارآمد سیستم‌های عدالت کیفری و تمرکز بر افزایش ضریب امنیت اجتماعی، از طریق ناتوان‌سازی شماری از پر ریسک‌ترین طیف‌های بزهکاران، بر باز اجتماعی کردن آن‌ها مقدم است، لذا رویکرد مدیریت ریسک جرم درصدد است که با الهام گرفتن از برنامه‌های مدیریت ریسکی در سایر رشته‌ها، تلاش بر کاهش و کنترل بزه و بزهکاری از طریق مدیریت کیفری و غیرکیفری ریسک جرم داشته باشد. افزون بر این باید به خاطر داشت که به دلایلی مانند تشدید فشارهای ناشی از وقفه و انسداد به دلیل ناکارایی نظام‌های قضایی در کنترل جرم و جلب اعتماد عمومی، افزایش آمار جرم و ترس از جرم و...، الگوی مدیریت‌گرایی بر نظام عدالت کیفری حاکم گردیده است^{۱۶}؛ لذا بر پایه رهیافت مدیریت ریسک جرم، نظام کیفری به جای آن که درصدد اصلاح بزهکار باشد، در پی کاستن از میزان خطرناکی احتمالی او برای جامعه خواهد بود. این رویکرد که در پرتو جهانی شدن علوم جنایی با تصویب قوانینی همچون قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وارد نظام حقوق کیفری ایران شده است^{۱۷} و از طرفی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نیز که مبتنی بر رویکرد مدیریت خطر جرم، ابتدا با یک طرح دو فوریتی در آبان ۱۳۹۸ در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی مطرح گردید و بعد از رفع ایرادات توسط شورای نگهبان، در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ به تصویب رسید، منشاء تحولات چشمگیری در نظام کیفردهی و تعیین کیفر محسوب می‌گردد. با توجه به تغییرات اساسی این قانون در کاهش مجازات حبس برخی جرایم، تعیین ضابطه جدید در تعیین کیفر، تغییر مقررات تعدد و تکرار جرم، تغییر در الگوی تخفیف مجازات و...، بررسی این قانون از منظر آموزه‌های سیاست جنایی ضروری است. لذا پژوهش پیش‌رو درصدد پاسخ‌دهی به این سؤالات است که آیا قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ را، با توجه به مقرراتی مانند تعدیل میزان مجازات برخی از جرایم تعزیری، تکلیف به

^{۱۱} . Rehabilitation 0
^{۱۲} . Restorative justice 1

^{۱۳} . حسین غلامی، کیفرشناسی، چاپ سوم، (تهران: نشر میزان ۱۳۹۹)، ۱۷۳.

^{۱۴} . علی حسین نجفی ابرندآبادی، «تقریرات به کوشش شهرام ابراهیمی»، سیاست جنایی عمل‌گرا، ۱۳۹۱، ۱۷۴۳.

^{۱۵} . Crime risk management 4

^{۱۶} . راضیه قاسمی کهریزسنگی و محمد فرجیها، «چالش عدالت و کارآیی در گفتمان مدیریت‌گرایی کیفری با تأکید بر حقوق ایران»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، (۱۳۹۴)، ۹، ۳۱.

^{۱۷} . رحیم نوبهار و صیقل یزدان، «ویژگی‌ها و راهبرد های کیفرشناسی ریسک‌مدار»، مجله حقوقی دادگستر، (۱۳۹۶)، ۱۰۰، ۱۹۸.

صدور حکم به حداقل کیفر حبس، توسعه استفاده از نهادهای ارفاقی در جرایم مهم و سایر تغییرات یاد شده، می‌توان جلوه‌ای از سیاست جنایی ریسک مدار پنداشت؟ و در صورتی که این امر مفروض باشد، آیا تمامی شاخص‌هایی که باید در یک سیاست جنایی ریسک مدار مورد توجه قرار گیرد، در قانون مذکور رعایت شده است یا خیر؟ لذا در جهت پاسخ به پرسش‌های مذکور، در این نوشتار ابتدا به تبیین مدیریت ریسک جرم و مفهوم سیاست جنایی ریسک‌مدار و سپس در دو گفتار به بررسی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سنجه سیاست جنایی ریسک‌مدار (مدیریت کیفری و مدیریت غیر کیفری ریسک جرم) پرداخته خواهد شد.

۱-۱- مدیریت ریسک جرم تا سیاست جنایی ریسک‌مدار

۱-۱- مدیریت ریسک جرم

از حدود دهه ۱۹۸۰، به تدریج دگرگونی‌هایی در زمینه جهت‌گیری ابراز تفکر جرم‌شناسان روی گرفت، به گونه‌ای که در عرصه‌های متعدد اندیشه‌های پیشنهادی در علوم جنایی، از سلوک ایفای نقش پلیس در پیاده‌سازی تدابیر پیشگیرانه گرفته تا دادرسی کیفری، تعیین مجازات و طریق اجرای آن از سوی سازمان زندان‌ها در جهت اصلاح بزهکاران، هدف پیشگیری از جرم و مدیریت رفتار بزهکاران در بستر تمسک به فنون برخاسته از پیش‌بینی تغییر رفتار، تحت تأثیر قرار گرفت. به باور چندی، از آن‌جا که در قرن بیستم بیم و نگرانی اصلی مدرن‌گرایی جنایی، درک و فهم و اصلاح بزهکاران شد، لذا تمایل چندانی به آگاهی از انگیزه‌ها و تفکر بزهکاران باقی نماند. بر این اساس موضوع اصلی این شد که چگونه می‌توان بزهکاران را نظارت نمود و صدمات برآمده از رفتار آنان را به حداقل رساند. بزهکاران و جرایم آن‌ها دیگر از رویکرد آسیب‌شناختی و از منظر از هم‌گسستگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی و سنجش نیاز به اصلاح و درمان تبیین و تحلیل نمی‌شدند، بلکه در قالب احتمال وقوع رفتارهای مجرمانه در آینده، مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند. به دنبال این تحولات، رویکرد مدرن به مدیریت ریسک جرم در اندیشه نوین کیفری، علت ظهور رویکردی مدیریت‌گرا شد که دانش علمی را در زمینه اصلاح بزهکاران به خدمت می‌گیرد و در راستای توجه به گذشته بزهکاران، و در مهار نرخ جرایم نیز، به شیوه‌ای متمایز به گذشته بزهکاران امان نظر می‌نماید و با استفاده از شیوه‌های آماری، به شناسایی عوامل ریسک می‌پردازد. در این رویکرد بر اساس ارزیابی آماری، خطر تکرار جرم و معیار خطرناکی بزهکاران، به دسته‌بندی آن‌ها در گروه‌های متفاوت پرداخته می‌شود و پس از آن با توجه به ملاک خطرناکی هر گروه، به اعمال مجازات‌های مختلف و متناسب با شدت جرم و میزان خطرناکی بزهکار اقدام می‌گردد. لذا در خصوص همه بزهکاران از یک نوع مجازات و یا ضمانت اجرای کیفری استفاده نمی‌شود. به عبارتی تفکر مدرن‌گرایی مبتنی بر ریسک را، می‌توان به معنای تغییر تأکید از اصلاح بزهکاران به خنثی‌سازی و طرد نمودن بزهکاران از جامعه تعبیر نمود، تا ازین گذرگاه نیل به اهداف کاهش هزینه‌های عمومی جرم، کاهش نرخ بزهکاری و افزایش میزان امنیت اجتماعی^{۱۷} تحقق پیدا کند. بنابراین مدیریت ریسک جرم را از معقول‌ترین و به‌صرفه‌ترین رویکردها، جهت تقلیل خسارت‌های ناشی از جرم برای جامعه، که از گذرگاه متناسب ساختن شدت کیفرهای پیش‌بینی شده از سوی نظام عدالت کیفری در برابر رفتارهای مجرمانه، با میزان ریسک آن‌ها برای جامعه وصف کرده‌اند.^{۱۸} اگر چه باید به این مهم نیز توجه داشت

^{۱۷}. در گفتار کیفرشناسی ریسک‌مدار، امنیت یک دغدغه جدی است. بدین‌سان در مقایسه میان گفتار کیفرشناسی سنتی با کیفرشناسی ریسک‌مدار می‌توان گفت نوعی تغییر بنیادین گفتار صورت گرفته است. مراد از تغییر گفتار کیفری این است که دغدغه کیفرشناسی سنتی نسبت به اخلاق، جای خود را به تأکید بر ریسک و امنیت داده است. راهبردها بر اعضای گروه‌های مشخص و نه بر افراد تمرکز نموده‌اند. روش آماری، جغرافیایی و الکترونیکی (ارزیابی ریسک مبتنی بر آمار؛ مکان‌یابی جرم و شناسایی الگوهای جرم و تأکید بر روی نقاط ویژه و مکان‌های نا امن؛ استفاده از دوربین‌های مدار بسته و طیف وسیعی از ابزارهای امنیت الکترونیک؛ ردیابی حرکت افراد از طریق پایگاه‌های داده‌های کامپیوتری) جایگزین مددکاری اجتماعی و روان‌شناسی‌های فردی هر یک از بزهکاران گردیده است.

^{۱۸}. جلال‌الدین حسانی و سید محمود میرخلیلی و محمدرضا نظری‌نژاد، «رهیافت مدیریت ریسک جرم و جلوه‌های آن در نظام عدالت کیفری»، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، (۱۴۰۰)، ۳۳، ۳۱.

که مقصود از مدیریت ریسک جرم، تمرکز بر روی بزهکاران و حالت خطرناکی آنان است که می‌تواند بر پایه سنجش‌ها و ضابطه‌های مورد نظر جرم‌شناسان، در احصاء طبقه‌بندی یا کنترل آن‌ها مورد توجه قرار گیرد^{۱۹} و منظور از حالت خطرناکی، همان مفهوم خطرناکی در جرم‌شناسی است که پیوند ویژه‌ای با جرم‌شناسی خطر دارد و به بیان دیگر، مجرمان افراد خطرناکی هستند که ریسک‌های غیرقابل قبول به‌شمار می‌آیند. از این‌رو سیاست‌گذاران دستگاه عدالت کیفری باید در راستای مأموریت اساسی خود، از طرفی به جرایم سابق مجرمین پاسخی سزاوار داده و از طرفی دیگر نیز با توجه به میزان ریسک بزهکاری احتمالی آن‌ها، چاره‌اندیشی شایسته‌ای را جهت مدیریت و به حداقل رساندن جرایم در پیش گیرد. در ادامه به تبیین مفهوم سیاست جنایی ریسک مدار می‌پردازیم.

۱-۲- مفهوم سیاست جنایی ریسک‌مدار

امروزه امنیت یکی از مهم‌ترین ارزش‌هایی است که جوامع برای تضمین آن، از طریق وضع قوانین کیفری، اقدام به برنامه‌ریزی برای واکنش در برابر نقض آن می‌کنند. جرم نیز یکی از مهم‌ترین عوامل تهدید علیه امنیت می‌باشد و برای مقابله با آن، نظریات و مکاتب مختلفی به وجود آمده است. این پدیده همواره در امتداد تاریخ، شوم محسوب شده و جوامع برای محو آن از اجتماع، به هر نوع مجازات خشن و تریبی متوسل شده‌اند، لکن با ظهور مکتب تحقیقی و متعاقب آن تولد جرم‌شناسی اصلاح و درمان، عدالت کیفری انسان مدار و تمرکز بر شناخت علل جرم و خنثی‌سازی آن‌ها به منظور اصلاح و بازپروری بزهکاران مورد توجه قرار گرفت. لکن ایرادات وارده بر این رویکردها موجب شد که توسل به اندیشه‌های سنتی احیا گردد که از آن تحت عنوان «جنبش بازگشت به کیفر» یاد می‌شود.^{۲۰} آوانگهی بعد از شکست نظریه اصلاح و درمان^{۲۱} در دهه ۱۹۸۰ نگرش جدیدی در بستر نظریه جامعه ریسک‌مدار، برای اولین بار توسط اولریش بک در حیطه علوم جنایی وارد شد که ماهیت آن کاملاً مدیریتی بوده و درصدد است که با الهام گرفتن از ابزارها و برنامه‌های مدیریت ریسکی در سایر رشته‌ها، با استفاده بهینه از منابع مادی و انسانی، تلاش بر کاهش و کنترل بزه و بزهکاری داشته باشد. در این رویکرد به جای توجه به بزهکار و یافتن علل فردی-اجتماعی وقوع جرم، بزهکار بر اساس شاخصه‌ها و عوامل ریسک، در گروه‌های بزهکاران پرخطر یا کم خطر طبقه‌بندی می‌شوند و لذا میزان مجازات بزهکاران با توجه به میزان ریسک و نه شدت جرم آن‌ها تعیین می‌شود و متقابلاً واکنش دستگاه عدالت کیفری نیز متناسب با هر گروه می‌باشد و در خصوص مجرمین با ریسک بالا از طریق مدیریت کیفری ریسک جرم با هدف طرد و ناتوان‌سازی کیفری با مجازات‌هایی همچون اعدام و حبس‌های طولانی مدت به منظور تقلیل ریسک آن‌ها، و با مجرمین با ریسک کم از طریق مدیریت غیرکیفری ریسک جرم با نهادهایی همچون تعلیق تعقیب، تعلیق مجازات، آزادی مشروط، جزای نقدی، محرومیت موقت از حقوق اجتماعی و... مقابله خواهد شد. فرایند مدیریت کیفری و غیرکیفری ریسک جرم در سه مرحله شناسایی ریسک، ارزیابی ریسک و در نهایت پاسخ به ریسک صورت می‌پذیرد. به عبارتی در فرایند مدیریت ریسک جرم، ابتدا مجرمین خطرناک بر اساس شناسایی حالت خطرناک آن‌ها شناسایی خواهند شد و سپس با ارزیابی فرصت‌های ارتکاب جرم، اقدامات جهت پیشگیری از ارتکاب جرم انجام خواهد گرفت و در نهایت پاسخ به ریسک یعنی اعمال مجازات، با توجه به میزان ریسک مجرمین اعمال خواهد شد. در این رویکرد

^{۱۹}. شهرداد دارابی، پیشگیری از جرم در مدل مردم سالار سیاست جنایی، چاپ دوم، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۷)، ۱۶۴.

^{۲۰}. امیر پاک‌نهاد، سیاست جنایی ریسک مدار، چاپ دوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴)، ۹۶.

^{۲۱}. پاک‌نهاد، سیاست جنایی ریسک مدار، ۹۶.

^{۲۲}. افزایش چشمگیر بزهکاری در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رویکرد بالینی جرم‌شناسی و نظام اصلاح و درمان مبتنی بر آن را که برای سالیان طولانی بر نظام عدالت کیفری کشورهای غربی تسلط داشت، با چالش‌های جدی مواجه کرده بود. از جمله اقدامات اصلاحی و درمانی عموماً دیربازده بوده و در کوتاه مدت نتیجه قابل قبولی نشان نمی‌دادند. زندان به عنوان محل اجرای اقدامات بازپروری، مشکلات بسیاری ایجاد کرده بود و افزایش جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های سرسام آور اداره آن‌ها، در عمل کارایی اقدامات اصلاحی را با مشکل مواجه کرده بود و خود تبدیل به مدرسه بزهکاری گشته بود. جهت مطالعه بیشتر ر.ک: طاهری، سمانه (۱۳۹۲). سیاست کیفری سخت‌گیرانه. بنیاد حقوقی میزان. تهران. چاپ اول. ص ۸۶-۷۵.

ناتوان‌سازی، هدف اصلی مجازات‌ها بوده و اصلاح بزهکاران با توسل به اجرای کیفر مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه اجرای کیفر ابزاری برای کاهش خطر ارتکاب جرم و افزایش امنیت جامعه و حمایت از آن می‌باشد. به بیان دیگر، در این رویکرد اهداف کیفر از اصلاح و درمان یا تطبیق دادن واکنش اجتماعی با میزان تقصیر و نتیجه رفتار فرد، به ابزار مدیریت اجتماعی جهت کنترل و سرکوب گروه‌های مجرمین پر ریسک تغییر پیدا می‌کند.^{۳۳} به عبارتی شالوده سیاست جنایی ریسک‌مدار بر این ایده استوار است که در خصوص شماری از پر ریسک‌ترین طیف‌های مجرمین، اصلاح و درمان از طریق اجرای مجازات تأثیری نداشته و در واقع این‌ها همان مجرمان مُصِر یا پر ریسک و یا هسته‌های مقاوم بزهکاری هستند که مدیریت کیفری ریسک جرم بر آن است که با شناسایی و استخراج آن‌ها از جامعه، فضا و بودجه محدود زندان را به آن‌ها اختصاص دهد و در خصوص سایر گروه‌های بزهکار، با لبه نرم شمشیر دستگاه عدالت کیفری یعنی تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و... مقابله کند.^{۳۴}

به دنبال ضرورت‌های عملی حاکم بر سیاست‌گذاری‌های کیفری از جمله سیاست کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متأثر از رویکرد مدیریت ریسک جرم با پیش‌بینی مقرراتی همچون تقسیم‌بندی مجازات‌های تعزیری به هشت درجه، و نیز توجه به نهادهایی همچون تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظارت الکترونیکی، جایگزین‌های حبس و...، آشکارکننده این رویکرد در سیاست جنایی تقنینی ایران می‌باشد. با تبعیت از این سیاست، ماده ۱۹ قانون مذکور، مجازات‌های تعزیری را به هشت درجه تقسیم کرده است و مجازات‌هایی از جمله حبس‌های بلند مدت و کوتاه مدت، جزای نقدی سنگین و سبک را به تناسب، نسبت به مجرمین با ریسک بالا و دارای حالت خطرناک و مجرمین با ریسک کم در نظر گرفته است، لذا میزان و شدت پاسخ‌های کیفری، مبنای سنجش میزان خطر یا ریسک مجرمین قرار گرفته است.^{۳۵} با توجه به این طبقه‌بندی به نظر می‌رسد مرتکبان جرایمی که مجازات آن‌ها تعزیر درجه یک تا چهار می‌باشد، در گروه مجرمین با ریسک بالا قرار دارند که لازم است از طریق مدیریت کیفری ریسک جرم با اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه، نسبت به ناتوان‌سازی آن‌ها اقدام شود و سایر مرتکبان در گروه مجرمین با ریسک کم بوده و می‌توان با مدیریت غیرکیفری ریسک جرم با اعمال نهادهای ارفاقی مندرج در قانون مجازات اسلامی نسبت به رفتار آن‌ها واکنش مناسب نشان داد.

۳- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سنجه سیاست جنایی ریسک مدار

از شروع آغاز زندگی بشر، جرم در جوامع انسانی پیوسته به عنوان واقعه‌ای ضد اجتماعی و نابسامان در امنیت عمومی مورد طرح بوده است و برای پیکار با آن، رویکردها و مکاتب متعدد پدیدار گشته است که تمرکز اصلی این نظریه‌پردازی‌ها، رویکردهای کیفری، جرم‌شناختی یا علت‌شناختی نسبت به جرم بوده است. تا پیش از پیدایش جرم‌شناسی اصلاح و درمان، جرم حادثه‌ای شوم انگاشته می‌شد که با مجازات‌های خشن و تهریبی می‌بایست از بستر اجتماع محذوف گردد. دستیابی به این مقصود هرگونه رفتاری را با بزهکاران موجه می‌نمود. در روزگار حقوق کیفری موضوعه، مکتب دفاع اجتماعی نوین با رهبری مارک آنسل، با هدف برقراری تعادل میان حقوق فرد و جامعه، پا به عرصه وجود نهاد. این مکتب همواره هدف خود را تأمین امنیت جامعه و عقب راندن بزهکاری

^{۳۳}. سمانه طاهری، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲)، ۷۰.

^{۳۴}. پاک نهاد، سیاست جنایی ریسک مدار، ۱۷.

^{۳۵}. لازم به ذکر است که ناتوان‌سازی مجرمان که هدف اصلی این رویکرد است، گاهی مبتنی بر نوع جرم است و گاهی نوع مجرم؛ بدین شرح که در برخی موارد قانونگذار برای برخی از جرایم مجازاتی پیش‌بینی کرده است که ماهیتاً ناتوان‌کننده می‌باشد و صرف نظر از وضعیت مرتکب به دنبال سلب توان بزهکاران می‌باشد، لکن در مقابل بزهکارانی هستند که ممکن است رفتار گذشته آن‌ها عاملی برای پیش‌بینی رفتار آن‌ها در آینده گردد، که با عنوان مجرمان مُصِر شناخته شده و مشمول مجازات‌های ناهمگون با سایر مرتکبین جرایم همسان قرار می‌گیرند تا بدین صورت حالت خطرناکی آن‌ها مرتفع گردد.

جهت مطالعه بیشتر نک: سید محسن هاشمی نژاد، «مدیریت ریسک جرم و تاثیر آن بر اهداف مجازات‌ها»، (پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم،

۱۳۹۱)، ۹۰.

می‌داند. لکن بر این عقیده پایدار بودند که بهترین حمایت از جامعه، یعنی مؤثرترین و در عین حال انسانی‌ترین آن عبارت است از سازگار ساختن دوبارهٔ بزهکاران با اجتماع، از طریق وسایل و امکاناتی که به باز یافتن احساس مسئولیت اجتماعی در آن‌ها تأثیر می‌گذارد. از این‌رو در این دوره عدالت کیفری انسان‌مدار مطرح شد.^{۲۶} این مکتب رویکرد خود را دفاع از کرامت انسانی، حتی کرامت ذاتی انسان مظنون، متهم به ارتکاب جرم و مجرم تعریف کرد. به موجب این دیدگاه، مجرم در پی وقوع جرم انسانیت خود را از دست نمی‌دهد و او همچنان به عنوان یک انسان دارای کرامت بوده و سزاوار اصلاح و نجات است. مارک آنسل معتقد است که کارایی یک شیوه خاص سیاست جنایی، به تنهایی نمی‌تواند توجیهی برای آن محسوب شود. در واقع به نظر می‌رسد در نتیجه دیدگاه‌های مارک آنسل، میان حقوق بشر و حقوق کیفری آشتی و تعادل برقرار شد. در واقع مکتب دفاع اجتماعی، از یک سو طرفدار برخورد کرامت‌مدار با مجرم به منظور بازگشت او به جامعه است و از سوی دیگر، طرفدار تأمین امنیت شهروندان نیز می‌باشد.^{۲۷} به دنبال آن، جرم‌شناسی‌های اصلاح و درمان و پیشگیری که به موجب آن جرم، معلول یک سلسله عوامل فطری و محیطی و مجرم در واقع، قربانی شرایط زیستی و اجتماعی است به وجود آمد.

اما برخی از جرم‌شناسان، دهه‌ها پس از ظهور جرم‌شناسی در معنای بالینی و پیشگیری آن، با تکیه بر آمار جنایی مربوط به بزهکاری و تکرار جرم، اقدام به بررسی اثربخشی این جرم‌شناسی‌ها نمودند. آنان اظهار داشتند که با وجود صرف هزینه‌های انسانی و اقتصادی فراوان، در میزان نرخ بزهکاری کاهش قابل توجهی پدیدار نگشته است و در پس این نظرگاه اقتصادی و عوامل سیاسی و امنیتی، همچون به سر آمدن عمر دولت‌های رفاه و مطالبات رو به افزایش در زمینه تأمین امنیت در دهه ۱۹۸۰، شاهد به وجود آمدن و تشکیل نگرش جدید در حیطهٔ علوم جنایی می‌باشیم که رویکرد آن مدیریتی است.^{۲۸} رویکرد مدیریتی در بستر نظریه جامعه ریسک‌مدار شکل گرفت.^{۲۹} اگر چه انسان همیشه در فراروی ریسک قرار داشته است، اما جامعهٔ مدرن در نتیجهٔ ریسک‌های طبیعی و ریسک‌های جدید انسان ساخته در معرض نوعی خاص از ریسک می‌باشد. در جامعهٔ ریسک‌مدار، مدیریت نا امنی ناشی از ریسک‌های گوناگون و گاه غیرقابل پیش‌بینی، به یک چالش مهم تطور یافته است و امروزه جرم و ترس از آن جزئی تجربیات روزانهٔ شهروندان در سراسر جهان شده است. از منظر این دیدگاه جرم پدیده‌ای بهنجار به‌شمار می‌آید که نمی‌توان آن را به‌طور کامل زائل نمود، بلکه باید با ابزارهای کنترلی، آن را تا حد امکان برای جامعه قابل تحمل کرد. با این مقدمه در ذیل به این موضوع می‌پردازیم که با توجه به دگرگونی‌های بنیادین قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سیاق تعیین کیفر در نظام حقوق کیفری ایران، تا چه حدی با اعتناء به شاخصه‌های سیاست جنایی ریسک‌مدار که بدان پرداخته شد، درصدد مهار ریسک ارتکاب جرایم به‌منظور افزایش امنیت اجتماعی امعان نظر داشته است.

^{۲۶}. محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم، دفاع اجتماعی نوین (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱)، ۱۸.

^{۲۷}. علی حسین نجفی ابرندآبادی، کیفرشناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریت خطرمدار، در تازه‌های علوم جنایی، (مجموعه مقالات)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۸)، ۷۱۷.

^{۲۸}. سودابه رضوانی، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، چاپ اول، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱)، ۲۲.

^۲. Back, Ulrich, Risk Society: Toward a New Modernity, Translated to English by Mark Ritter, London, Sage, 1992.

^۳. Mally, D, Globalizing risk: Distinguishing Styles of neo-liberal Criminal justice in Australia and the USA, V(2), No(2), London, Sage, 2000, 205.

۳-۱- مدیریت کیفری ریسک جرم در سنجۀ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

ردیف	جمله‌های مدیریت کیفری ریسک جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری
۱	تبدیل یا تقلیل میزان مجازات حبس جرایم تعزیری
۲	تکلیف به صدور حکم به حداقل کیفر حبس
۳	تقلیل مجازات حبس ابد در جرایم غیر حدی به حبس تعزیری درجه یک
۴	تغییر در شیوۀ تخفیف مجازات در جرایم تعزیری درجه یک تا چهار
۵	توسعه نهادهای ارفاقی در جرایم تعزیری درجه دو، سه، چهار
۶	تغییر در نظام تعدد و تکرار در جرایم تعزیری

در رویکرد مدیریت کیفری ریسک جرم، بخش عمده جرایم توسط درصد ناچیزی از بزهکاران ارتکاب می‌یابد که می‌توان آن‌ها را گروه‌های پر خطر یا هسته فعال بزهکاران تعبیر نمود. لذا به‌جای کارزار عبث با تمام بزهکاران، شایسته است به دنبال افزایش اثربخشی نظام عدالت کیفری و تأمین امنیت جامعه که متعاقب ارتکاب جرایم این گروه پر خطر مختل می‌شود، امکانات محدود سیستم عدالت کیفری صرف مقابله با گروه‌های بزهکاران پر خطر شود.^{۳۱} این دیدگاه متذکر نظریه حالت خطرناک گاروفالو در مکتب تحقیقی می‌باشد، با این تباین که در این رویکرد به‌جای گفتگو از شخص دارای حالت خطرناک، سخن از طبقات و گروه‌های خطرناک بزهکاران است که با بعضی از نشانه‌های ریسک مانند: اعتیاد، سوء پیشینه مجرمانه، نوع محکومیت کیفری و...، وضعیت خطرناکی خویش را نمایان می‌کنند. لذا در این رویکرد ضرورتاً اصلاح بزهکاران از رهگذر کیفر و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری و نیز زیر سؤال بردن عدالت کیفری مطرح نبوده، بلکه مقصود اساسی آن تعالی امنیت بزه‌دیدگان بالقوه و جامعه از گذر دور و معتزل کردن گروه‌های بزهکاران پر خطر از جامعه است.^{۳۲} به عبارتی در این رویکرد جامعه به صورت پادگان و دژی درمی‌آید که دیوارهای محکم آن، از هر جهت، بر فرد بزهکار جبر وارد می‌آورد و فرد بزهکار تبدیل به شماره و عدد شده است و با توجه به طبقه‌بندی آن‌ها در گروه‌های پر ریسک، سعی بر این می‌شود که ظن وقوع جرم یا تکرار آن در آینده از سوی او پیش‌بینی شود. به عبارتی زندان به‌جای این که محل اصلاح بزهکاران باشد، در راستای شکل‌گیری و گسترش اهداف مدیریتی جرم، تبدیل به زباله‌دان اجتماعی یا محلی برای انباشت توده‌های مجرمین پر ریسکی می‌شود، که ضایعات جوامع انسانی و تفاله‌های به جا مانده از تحولات اجتماعی محسوب می‌شوند.^{۳۳} وانگهی چنان که پیش‌تر نیز بیان گردید، رهیافت مدیریت کیفری ریسک جرم با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرچند به‌طور غیرنظام‌مند، جلوه‌هایی مشهود از این رهیافت را در نظام عدالت کیفری ایران نمایان کرده است که از آن می‌توان به پیش‌بینی درجات هشت‌گانه مجازات‌های تعزیری در ماده ۱۹ ق.م.ا. اشاره کرد. به موجب ماده مذکور مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم‌بندی شده است و مجازات‌هایی از جمله حبس‌های بلند مدت و کوتاه مدت، جزای نقدی سنگین و سبک را به سختیت، نسبت به بزهکاران با ریسک بالا و دارای حالت خطرناک و بزهکاران با ریسک پایین در نظر گرفته است. از این‌رو کاستی و فزونی واکنش‌های کیفری، اساس سنجش میزان خطر یا ریسک مجرمین، مورد نظر قرار گرفته و با عنایت به این طبقه‌بندی مجازات‌ها، به نظر می‌رسد مرتکبان جرایمی که مجازات آن‌ها تعزیر درجه یک تا چهار می‌باشد، در طبقه بزهکاران با ریسک بالا جای دارند و بایستی از رهگذر مدیریت کیفری ریسک جرم و با اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه، نسبت به ناتوان‌سازی آن‌ها در جهت توسعه امنیت اجتماعی مبادرت ورزید.

³¹ . Maurutto, P. and Hannah-Moffat, K, Assembling Risk and The Restructuring of Penal Control, Oxford University Press, 2005, 6.

³² . علی حسین نجفی ابرند آبادی، دیباچه در: دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹)، ۱۶.

³³ . پاک نهاد، سیاست جنایی ریسک مدار، ۲۲.

در هر حال با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که منطبق و تفکر بازار و اقتصادی نمودن حقوق کیفری^{۳۴} اگر آن برملا تلاطم می‌زند، شاهد نوآوری‌های شگرف در کیفرگذاری عده‌های از جرایم خطیر و متعاقباً کیفردهی بزهکاران متمتع از حالت خطرناک می‌باشیم، به صورتی که در مواردی از جمله: تحول و بازبینی در مجازات برخی جرایم مهم تعزیری، تأکید بر صدور حکم به حداقل کیفر حبس، تقلیل مجازات حبس ابد در جرایم غیر حدی به حبس تعزیری درجه یک و نتیجتاً منتفع گشتن از سایر نهادهای ارفاقی، تغییر شیوه تخفیف مجازات در جرایم تعزیری درجه یک تا چهار، توسعه نهادهای ارفاقی در جرایم تعزیری درجه دو، سه، چهار، تغییر در نظام تعدد و تکرار جرایم تعزیری^{۳۵}، تماماً جلوه‌گر جلوه‌هایی از مدیریت کیفری با رویکرد کیفرزدایی^{۳۶} می‌باشند و ناآگاه از این که معضل بزه و بزهکاری و یا کاهش تورم جمعیت کیفری زندان‌ها، تداوی آنی نداشته و نمی‌توان با تصویب قوانین احساسی، ناندیشیده و مستعجل، به حل مسئله پرداخت؛ چه بسا تصویب چنین قوانین شتابناکی منتج به نتیجه عکس گردد. گویی سیاست‌گذاران جنایی از این مهم مغفول بوده‌اند که اصل تناسب جرایم و مجازات‌ها، و جوب دقت به رهیافت مدیریت ریسک جرم برای قاضی کیفری می‌باشد و موضعی چون الزام دادرس به صدور حکم به حداقل کیفر حبس، ظاهراً سیاست‌گذاران جنایی را از قانونگذاری به دستور نویسی سوق داده است. دستورهایی که پی در پی دست محاکم را در تعیین میزان کیفر محصور ساخته و در واقع به نظر می‌رسد که قانونگذار فراموش کرده است که قانون، ابزاری برای اجرای عدالت بوده و این قاضی می‌باشد که باید مطابق با اصل فردی کردن مجازات‌ها و نیز اصل تناسب میان جرم و مجازات، مناسب‌ترین کیفر را برگزیند. عجلتاً سماجت و اصرار قانونگذار به تعیین حداقل کیفر حبس، عملاً محاکم را در جرایم مهم به محاق حداقل‌گرایی کیفر کشانده و انتظام عمومی و بازدارندگی عمومی مجازات‌ها به دنبال این اصل، تنزل پیدا خواهد کرد. به عنوان مثال، ماده ۶۵۲ ق.م.ا. بخش تعزیرات که مقرر دارد: «هر گاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد». بنابراین باید پذیرفت که در اصل، در نظر گرفتن سوابق و شخصیت مرتکب است که وی را در مقایسه با دیگران سزاوار رهیافت‌های شدت‌گرایانه مدیریت کیفری ریسک جرم قرار می‌دهد.

همچنین بهره‌مندی از نظام‌های ارفاقی از جمله: تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی و نظام نظارت الکترونیک، از نهادهای ارفاقی‌ای محسوب می‌شوند که با توجه به حالت خطرناکی مجرمان در مدیریت کیفری ریسک جرم، با تحول رو به رو می‌شوند. به عبارتی در مدیریت ریسک جرم، با ممنوعیت ارفاق‌گرایی کیفری نسبت به بزهکاران با ریسک بالا مصادف هستیم که تا پیش از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، موارد یاد شده را می‌توانستیم جلوه‌ای از ساختارسازی رهیافت مدیریت کیفری

^{۳۴}. به موجب بند (ج) ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات موضوع مواد (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات به ترتیب در خصوص هتک حرمت اشخاص و توهین به مقامات و مأمورین دولتی، به جزای نقدی درجه شش تبدیل شده است و به استناد مصوبه هیأت وزیران در خصوص «تعدیل میزان مبالغ مجازات نقدی جرایم و تخلفات مندرج در قوانین و مقررات مختلف» مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۸ به استناد ماده ۲۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات جزای ندرجه شش از ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال در حق دولت تعیین شده است. جالب‌تر آن است که به استناد مصوبه فوق‌الذکر، مجازات جزای نقدی جرم موضوع ماده ۶۰۹ ق.م.ا. بخش تعزیرات که به توهین مشدد معرفی می‌شود، از ۲/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال تعیین شده است!!!

^{۳۵}. به ترتیب مواد (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۸)، (۹)، (۱۲)، (۱۳) از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹. همچنین جهت مطالعه بیشتر ر.ک:

۱- محمد مصدق، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ اول، (تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۹).

۲- رسول احمدزاده و مجتبی تام، ملاحظاتی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، (تهران: نشر مرکز مطبوعات قوه قضاییه، ۱۳۹۹).

۳- مجتبی فرهمند و حسین گرامی، شرح ماده به ماده قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ دوم، (تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۹).

^{۳۶}. ظاهراً سیاست‌گذاران جنایی ایران تا به حال از این مهم غافل بوده که کیفرزدایی در نظام کیفری ما، بیش از آن که از مجرای قانونگذاری مؤثر واقع گردد، مبتنی بر سیاست‌های درون قوه‌ای می‌باشد. گذری بر سیر تحولات قانونگذاری کیفری (به ویژه جرایمی که مجازات اصلی آنان حبس می‌باشد و آمار محکومین به مجازات حبس در دوره‌های مختلف قضاویه) و سیاست‌های مختلف دوره‌ای قوه قضاییه، این دیدگاه را تقویت می‌نماید.

ریسک جرم در نظام عدالت کیفری ایران قلمداد کنیم. لکن با تصویب قانون اخیرالذکر و کاهش ممنوعیت‌های تعلیق اجرای مجازات و شمول چتر ارفاقی قانونگذار بر سر بزهکاران دارای حالت خطرناک در مواردی مانند: تعلیق مجازات مشروط مرتکبان پر ریسک جرایم علیه امنیت کشور، کلاهبرداری و جرایم در حکم آن؛ گسترش نظام نیمه آزادی و نظارت الکترونیک در جرایم تعزیری درجه دو، سه و چهار، بدون در نظر گرفتن ماهیت و فلسفه ممنوعیت ارفاق در چنین جرایمی، رهیافت مدیریت کیفری ریسک جرم را در نظام حقوق کیفری ایران دچار تضعیف می‌کند، به این خاطر که در رویکرد مدیریت ریسک جرم، نهادهای ارفاقی کیفری با اهداف بازپذیری اجتماعی و تقویت مسئولیت‌پذیری بزهکار، کاهش نرخ تکرار جرایم و تقلیل تورم جمعیت کیفری زندان‌ها، قابل اعمال برای مجرمین با ریسک پایین در نظر گرفته می‌شود. از این رو پذیرش بی حد و مرز نهادهای ارفاقی در جرایم دارای بزهکار حالت خطرناک را در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، نمی‌توان مصداقی از جلوه‌های سیاست جنایی ریسک‌مدار تعبیر نمود.

با این حال ظاهراً نوآوری‌های مذکور در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را باید مدیریت کیفری مبتنی بر کیفرزدایی مطلق اطلاق نمود که صرف نظر از یک مبنای نظری مشخص، صرفاً به دنبال تعدیل میزان مجازات بسیاری از جرایم و متعاقباً مهار تورم افسار گسیخته جمعیت کیفری زندان‌ها می‌باشد. از این رو به نظر می‌رسد که در این قانون، قانونگذار با توجه به آثار مخرب حبس از جمله، جرم‌زا بودن، افزایش هزینه‌های اقتصادی دولت، عدم اصلاح و بازپروری مجرمین، توجه به آثار مخرب حبس در زندگی اجتماعی زندانیان و خانواده آن‌ها و... و نیز بدون اعتنا به تبعات تعدیل مجازات جرایم مذکور، از جمله تجربه مجرمان و یا به مخاطره افتادن حقوق بزه‌دیدگان، اقدام به حبس زدایی از جرایمی نموده است که جرم‌انگاری آن‌ها مورد اجماع سایر نظام‌های حقوق کیفری جوامع بوده و به عبارت دیگر مقابله با چنین جرایمی، شرط هم‌زیستی مسالمت آمیز بوده و گزند مسامحه و سهل‌انگاری در مقابل آن‌ها، نهایتاً گریبانگیر افراد جوامع خواهد شد. بنابراین مدیریت کیفری ریسک جرم در سیاست جنایی ریسک‌مدار، نه به دنبال اصلاح بزهکاران، بلکه به دنبال حمایت و افزایش امنیت اجتماعی از طریق کاهش نرخ ارتکاب جرایم بوده و به همین جهت است که در جرایم مهم و یا در برابر بزهکاران با ریسک بالا، به دنبال طرد و ناتوان‌سازی آن‌ها از طریق مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولانی مدت می‌باشد. لذا نوآوری‌های یاد شده در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را نمی‌توان مصداقی از سیاست جنایی ریسک‌مدار به‌شمار آورده و نیز بر این باور موهوم امید داشت که حبس زدایی غیر نظام‌مند از میزان مجازات بسیاری از جرایم، می‌تواند در جهت کنترل ریسک ارتکاب جرایم و بازپروری بزهکاران مؤثر باشد. در ذیل به ارزیابی نوآوری‌های قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سنجه مدیریت غیر کیفری ریسک جرم می‌پردازیم.

۳-۲- مدیریت غیر کیفری ریسک جرم در سنجه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

ردیف	جلوه‌های مدیریت غیر کیفری ریسک جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری
۱	توسعه مجازات‌های تکمیلی
۲	تغییر در شیوه تخفیف مجازات در سایر مجازات‌های حبس تعزیری
۳	توسعه قلمرو استفاده از جایگزین‌های حبس
۴	توسعه جرایم قابل گذشت

همان‌طور که پیش از این مطرح شد، در سیاست جنایی ریسک‌مدار، جداسازی بزهکاران خطرناک از کم خطر در تمام مراحل فرآیند کیفری موضوعیت دارد. نظام عدالت کیفری رغبت دارد امکانات اقتصادی و انسانی محدود سیستم را به‌جای هزینه کردن در مورد همه بزهکاران، بر گروه خاصی از آن‌ها که هسته مقاوم بزهکاری هستند معطوف کند. از این رو، امروزه به جهت مهار و مدیریت خطر بزهکاران با ریسک پایین، از کیفرهایی با عنوان کیفرهای اجتماع محور بهره‌گیری می‌شود. خصوصیت اساسی این

کیفرها این است که برای اصلاح و بازپروری یا کنترل مدیریت بزهکاران، آن‌ها را از بستر اجتماع دور نمی‌نماید بلکه سعی می‌کند برخورد با آنان در همان جامعه صورت گیرد.^{۳۷} بنابراین کیفرهای شدید و پردامیز مانند اعدام و حبس‌های طولانی مدت در مورد این دسته از بزهکاران اعمال نمی‌شود، بلکه با لبه نرم شمشیر عدالت کیفری یعنی تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، اجرای مجازات‌های جایگزین و... به رفتارهای آنان پاسخ داده می‌شود. به عبارت دیگر کیفرهای اجتماع محور که از آن‌ها به عنوان مناسب‌ترین گزینه در اندیشه حبس‌زدایی مطرح است، از طرفی کمک به اصلاح و بازپروری مجرم در بستر اجتماع، کاهش هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری و از طرف دیگر نظارت و کنترل بزهکاران کم‌خطر برای پیشگیری از تکرار جرم آن‌ها یکی دیگر از کارکردهای مهم این کیفرها می‌باشد. در راستای نیل به اهداف مزبور، یعنی اصلاح و بازپروری، مهار و مدیریت خطر بزهکاران با ریسک پایین، هرچند پیش‌تر بیان کردیم کیفرزدایی مطلق، اساس تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می‌باشد، لکن رگه‌هایی ناچیز از رویکردهای نوآورانه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را می‌توان در رویکرد مدیریت غیر کیفری ریسک جرم ارزیابی نمود. رویکردهایی مانند: توسعه مجازات‌های تکمیلی، تغییر در شیوه تخفیف مجازات در سایر مجازات‌های حبس تعزیری، توسعه قلمرو استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس و توسعه جرایم قابل گذشت^{۳۸} را می‌توان از آن‌ها از رهیافت مدیریت غیر کیفری ریسک جرم یاد کرد.

توسعه ظرفیت‌های اعمال مجازات‌های تکمیلی متناسب با وضعیت و شخصیت مجرم و جرم ارتكابی؛ توسعه ظرفیت‌های مؤثر قانونی در راستای فردی کردن کیفر متناسب با جرایم ارتكابی و شرایط بزهکاران در جرایم کم‌اهمیت و منع از صدور حکم به حبس‌های کوتاه مدت؛ تغییر در محدودیت‌های جایگزین حبس؛ گسترش جرایم قابل گذشت و تنصیف حداقل و حداکثر مجازات حبس آن‌ها؛ جملگی در راستای مهار و مدیریت خطر بزهکاران با ریسک پایین پیش‌بینی شده‌اند تا مجال را برای این گروه از بزهکاران پدیدار آورند تا به دور از پیامدهای ویران‌ساز زندان، اصلاح و بازپروری آنان میسر شود. به عبارتی در این رویکرد، کیفرهای اجتماع محور که با اهداف اصلاح و درمان، توان‌گیری و خنثی‌سازی مجرم، با توجه به میزان خطرناکی بزهکاران با ریسک پایین اعمال می‌شود، علاوه بر جبران خسارت بزه‌دیده و ترمیم نظم مختل شده در جامعه، اصلاح و بازپذیری اجتماعی از فرآیند نظارت و کنترل مستمر او، به کاهش میزان تکرار جرایم در جامعه نیز منجر می‌گردد. بنابراین کیفرهای اجتماع محور در مدیریت غیر کیفری ریسک جرم بر آن است که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مدیریتی و نظارتی، با تدقیق در امکانات اندک دستگاه عدالت کیفری، در بستر اجتماع به بازسازی و باز اجتماعی ساختن این دسته از بزهکاران با ریسک پایین بپردازد.

نتیجه‌گیری

پس از آشکار شدن ضعف و ناتوانی جرم‌شناسی اصلاح و درمان و وارد شدن هجمه‌ها و متعاقباً مورد تردد واقع شدن اثربخشی آن، کیفرشناسی ریسک‌مدار، همگام با جنبش‌های سخت‌گیری علیه جرم، بر اساس محاسبه تخمینی شکل گرفت و رفته رفته با جهانی شدن امواج بزهکاری و بسط بزهکاری‌های سازمان‌یافته در سراسر جهان رسوخ پیدا نمود و به عنوان ابزاری برجسته در جهت مدیریت و مهار نرخ بزهکاری مورد پذیرش سیاست‌های جنایی اکثر جوامع قرار گرفت، به نحوی که امروزه ناتوان‌سازی مجرمان به ویژه از طریق حبس‌های طولانی مدت از اهداف اصلی مجازات تلقی می‌شود. زیرا هدف کنترل و مهار جرم، جایگزین هدف اصلاح و بازسازی بزهکاران شده است. به عبارتی اصلاح و بازپروری بزهکاران در این رویکرد به فراموشی سپرده شده و در مقابل

^{۳۷} سودابه رضوانی، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، چاپ اول، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱)، ۹۹.

^{۳۸} به ترتیب مواد (۴)، (۶)، (۱۰)، (۱۱)، از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹. همچنین جهت مطالعه بیشتر ر.ک:

۱- مصدق، محمد (۱۳۹۹)، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.

۲- احمدزاده، رسول؛ تام، مجتبی (۱۳۹۹)، ملاحظاتی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تهران: نشر مرکز مطبوعات قوه قضاییه.

۳- فرهمند، مجتبی؛ گرامی، حسین (۱۳۹۹)، شرح ماده به ماده قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ دوم، تهران: نشر گنج دانش.

آن هدف از اجرای کیفر، سلب توان بزهکاران برخوردار از حالت خطرناک، ایمن نگاه داشتن بزه‌دیدگان بالقوه از پیامدهای رفتارهای بزهکاران، کنترل نرخ بزهکاری و نیز افزایش امنیت اجتماعی می‌باشد.

به دنبال جهانی شدن علوم جنایی و همچنین تحولات قانونگذاری کیفری حقوق ایران در دهه‌های اخیر، شاهد پذیرش جلوه‌هایی از رهیافت مدیریت ریسک جرم هرچند به صورت غیر نظام‌مند در برخی از قوانین و مقررات از جمله قانون مجازات اسلامی می‌باشیم. درجه‌بندی و تعیین مجازات‌های تعزیری به هشت درجه و منع استفاده از نهادهای ارفاقی در خصوص بزهکاران با ریسک بالا از آشکارترین جلوه‌های این رهیافت در حقوق کیفری ماهوی قلمداد می‌شوند. رهیافت مدیریت ریسک جرم درصدد آن است که با حفظ و تحت کنترل درآوردن ریسک ارتکاب جرایم، میزان ارتکاب جرایم را تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد و تأمین امنیت که مهم‌ترین دغدغه آن است، با اتخاذ راهبردهای مدیریتی، در برابر ریسک بزهکاران برخوردار از حالت خطرناک و احتمال میزان نرخ تکرار جرم آنان، پاسخ دهد. بنابراین در رهیافت مدیریت ریسک جرم بزهکاران دارای حالت خطرناک و با ریسک بالا از بزهکاران با ریسک پایین تفکیک شده، که نتیجتاً امکانات اقتصادی و انسانی محدود دستگاه عدالت کیفری، متمرکز بر بزهکاران دارای حالت خطرناک و یا هسته مقاوم بزهکاری معطوف می‌شود و نیز در راستای مهار و مدیریت خطر بزهکاران با ریسک پایین، از کیفرهایی با عنوان کیفرهای اجتماع محور بهره‌گیری می‌شود.

اما ارزیابی نظام عدالت کیفری ایران مبرز آن است که رهیافت مدیریت ریسک جرم توسط سیاست‌گذاران جنایی با اقدامی آگاهانه و رویکردی علمی مورد پذیرش قرار گرفته است، لکن تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹، بایسته‌های علمی رهیافت مدیریت ریسک جرم در نظام حقوق کیفری را با چالش‌هایی جدی روبه‌رو کرده است. از جمله مقررات برخلاف رهیافت مدیریت ریسک جرم در این قانون عبارت است از: ماده ۱: تحول و بازبینی در مجازات برخی جرایم مهم خشونت‌ی علیه تمامیت جسمانی اشخاص (مواد ۶۱۴ و ۶۲۱ ق.م.ا. بخش تعزیرات)؛ ماده ۲: تأکید بر صدور حکم به حداقل کیفر حبس بدین‌سان که عدم تناسب بین جرم و مجازات، سبب زوال کارکرد و بازدارندگی کیفر می‌شود و از طرفی نیز باعث رغبت مرتکبان به جرایم شدیدتر خواهد شد بدین گونه که منطقی در صورتی که مجازات جرایم شدید از جرایم خرد کمتر باشد، بزهکاران با ملاحظه اصل محاسبه‌گری و بهره‌ حاصل از جرم، گرایش به ارتکاب جرایم شدیدتر خواهند داشت. پس در نتیجه، الحاق یک تبصره به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، دادگاه را در تعیین مجازات حبس، ملزم به صدور حکم به حداقل حبس نموده است و نتیجه عملی آن را می‌توان در یکی از مهم‌ترین جرایم علیه اموال که مجازات آن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری دستخوش تغییر گردیده است مشاهده نمود بدین طریق که مجازات جرم تام کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال، ۱ تا ۷ سال حبس تعزیری درجه چهار است و مجازات شروع به جرم آن، ۲ تا ۵ سال حبس تعزیری درجه ۵ است و لذا در صورت عدم وجود جهات قانونی در جرم تام کلاهبرداری، دادگاه ملزم به صدور حکم به یک سال حبس است، لکن در فرض شروع به جرم کلاهبرداری، مجازات آن حداقل دو سال حبس خواهد بود؛ ماده ۳: تقلیل مجازات حبس ابد در جرایم غیر حدی به حبس تعزیری درجه یک و نتیجتاً منتفع ساختن مرتکبان از سایر نهادهای ارفاقی همچون تخفیف مجازات به میزان ۳ درجه، استفاده از آزادی مشروط و...؛ ماده ۶: تغییر شیوه تخفیف مجازات در جرایم تعزیری درجه یک تا چهار؛ ماده ۸ و ۹: توسعه نهادهای ارفاقی در جرایم تعزیری درجه دو، سه، چهار که می‌تواند در عمل موجب رهایی مجرمان پرخطر شود؛ ماده ۱۱: قابل گذشت نمودن بسیاری از جرایم مهم تعزیری که عمده مرتکبان آن از بزهکاران یقه سفید هستند، به‌نحوی که موجب کاهش حمایت کیفری مقنن از اموال، دارایی و اعتبارات و شخصیت اشخاص شده است در حالی که کاهش مجازات حبس بایستی به‌گونه‌ای باشد که موجب تجری مجرمان و به مخاطره افتادن حقوق بزه‌دیده و جامعه نشود؛ ماده ۱۲ و ۱۳: تغییر در نظام تعدد و تکرار جرایم تعزیری؛ از جمله نوآوری‌های شگرفی است که امروزه به دنبال ضرورت‌های عملی حاکم بر سیاست‌گذاری‌های کیفری کنونی، رهیافت مدیریت ریسک جرم را با چالش مواجه کرده است و علی‌رغم این که رهیافت مدیریت ریسک جرم به عنوان یکی از واکنش‌های راهبردی نظام عدالت کیفری ایران در

برابر امواج بزهکاری در جرایم مهم و بزهکاران با ریسک بالا پذیرفته شده است، در پژوهش حاضر ضمن مردود ساختن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بر اساس مشخصه‌های سیاست جنایی ریسک‌مدار، بر این معتقدیم که قانون مذکور، علاوه بر ایجاد مانع در راستای نیل به اهداف رهیافت مدیریت ریسک جرم، با توجه به مطالعات صورت گرفته یافته‌ها بر آن است که عدم وجود یک مبنای نظری مشخص در حوزه کیفرگذاری و کیفردهی را می‌توان مهم‌ترین ایراد وارده بر این قانون دانست. به عبارتی تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مبین پافشاری قانونگذار بر تجارب ناکام‌کننده سابق می‌باشد و تعارض فکری و رفتاری قانونگذار در حوزه کیفرگذاری، یعنی اصرار بر تورم قوانین کیفری از یک سو، و کاهش کیفر و ناکارآمدی قوانین از سوی دیگر، ناشی از بروز تصمیمات احساسی و عدم تدبیر دور اندیشانه‌ای می‌باشد، که این تعارض رفتاری قانونگذار نه تنها باعث تحقق اهداف مدیریت کیفرزدایی نمی‌گردد، بلکه باعث جرم‌انگاری حداکثری، و تنها ایجاد اراده‌ای بر اجرای حداقلی قوانین خواهد شد. لذا شایسته است که در راستای تقنین قوانین کیفری ماهوی، جرم‌انگاری حداقلی در پرتو توجه به اصول و اهداف قانونگذاری مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گیرد و در پایان پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده: ۱- تدوین اصول راهبردی تعیین کیفر در راستای راهنمایی قضات در خصوص تعیین هسته مقاوم بزهکاری و اعمال مجازات‌های متناسب؛ ۲- اتخاذ رویه واحد نسبت به تمام انواع و گونه‌های مجازات تعیین شده در قانون مجازات اسلامی به لحاظ رویکرد همگون نسبت به جرایم دارای خطر یکسان؛ ۳- تعدیل در اعطا سهم برابر به همه اهداف کیفر با این توضیح که به نظر می‌رسد در قوانین نظیر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ملاحظات مربوط به هزینه‌های حبس و جنبه‌های اقتصادی آن بیش از سایر جنبه‌ها از قبیل بازدارندگی و تناسب مدنظر قانونگذار بوده است که این امر سبب خروج از عدالت کیفری و تحقق سایر اهداف کیفر می‌گردد؛ مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- احمدزاده، رسول؛ تام، مجتبی، ملاحظاتی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تهران: انتشارات مرکز مطبوعات قوه قضاییه، ۱۳۹۹.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ چهل و یکم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی نوین، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
- پاک‌نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک مدار، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
- چرچیان بیایانی، «مدیریت ریسک جرم در سیاست جنایی ایران»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۹۴.
- حسانی، جلال‌الدین؛ میرخلیلی، سیدمحمود؛ نظری‌نژاد، محمدرضا. «رهیافت مدیریت ریسک جرم و جلوه‌های آن در نظام عدالت کیفری»، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، (۱۴۰۰)، ۱۲، ۱، ۲۷-۵۲.
- حسینی، سیدمحمد، رستمی غازانی، امید، «جنبه‌های حقوقی، فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی مجازات»، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، (۱۳۹۷)، ۹، ۱، ۸۹-۱۱۴.
- حسینی، سیدمحمد؛ ساعدی، زهرا؛ صادقی، آزاده (۱۳۹۱)، «نگاهی به تحولات مفهومی و کارکردی در کیفرشناسی نوین»، مجله حقوقی دادگستری، (۱۳۹۱)، ۷۶، ۷۹، ۱۵۵-۱۷۸.
- دارابی، شهرداد، پیشگیری از جرم در مدل مردم سالار سیاست جنایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۷.
- داوودی گرمارودی، هما (۱۳۸۴)، «مکتب نئوکلاسیک نوین و احیاء رویکرد سزادهی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، (۱۳۸۴)، ۶۸.
- رضوانی، سودابه، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
- رضوانی، سودابه، مفهوم خطرناکی در گستره‌ی علوم جنایی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶.
- زراعت، عباس، درآمدی بر علوم جنایی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۹.
- سبزواری نژاد، حجت، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۴.
- طاهری، سمانه، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- غلامی، حسین، کیفرشناسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
- فرج‌اللهی، رضا، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
- فرهنگ، مجتبی؛ گرامی، حسین، شرح ماده به ماده قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
- قاسمی کهربزسنگی، راضیه؛ فرجیها، محمد. «چالش عدالت و کارآیی در گفتمان مدیریت‌گرایی کیفری با تأکید بر حقوق ایران»، (۱۳۹۴)، ۱۲، ۹، ۵۴-۲۹.
- لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
- مصدق، محمد، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره تحولات جرم‌شناسی، دیپاچه در: دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس سیاست جنایی (سیاست جنایی عمل‌گرا)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: زینب باقری نژاد، ۱۳۹۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، تقریرات دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست هفتم، مباحثی در علوم جنایی، به کوشش: شهرام ابرهیمی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کیفرشناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریت خطرمدار، در تازه‌های علوم جنایی، (مجموعه مقالات)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۸.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تازه‌های علوم جنایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- نوبهار، رحیم، یزدان، صیقل. «ویژگی‌ها و راهبرد های کیفرشناسی ریسک‌مدار»، مجله حقوقی دادگستری، (۱۳۹۶)، ۸۱، ۱۰۰-۱۹۷، ۲۰۰.
- هاشمی نژاد، سید محسن، «مدیریت ریسک جرم و تاثیر آن بر اهداف مجازات‌ها»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قم، ۱۳۹۱.
- Back, Ulrich, Risk Society:Toward a New Modernity, Translatrd to English by Mark Ritter, London, Sage, 1992.
- Mally, D, Globalizing risk: Distinguishing Stytes ofneo-liberal Criminal justice in Australia and the USA, V(2), No(2), London, Sage, 2000.
- Maurutto, P. and Hannah-Moffat, K, Assembling Risk and The Restructuring of Penal Control, Oxford University Press, 2005.

Evaluation of the law on reducing the punishment of imprisonment from the point of view of risk-oriented criminal policy

Abstract

Today, theoretical views and practical requirements have caused modern management ideas to create many changes in various aspects of human social life. It can be boldly claimed that the concept of crime is one of the concepts that is constantly changing, and this has forced the criminal justice system to provide new management solutions to control the rate of crime. Crime risk assessment and management, which came to the attention of criminal policymakers after the fall of the theory of reform and treatment of punishments, is a new approach in criminal sciences, the emergence of which has had significant effects on criminal justice systems. This approach, with the aim of removing the power of crime and increasing social security, has left many effects in the practical areas and policies of contemporary criminal justice. Today, following the practical necessities governing criminal policies, the current orientation of Iran's criminal system, in order to reduce the amount of delinquency through management methods, has led to the mentioned approach. In this regard, the classification of punishments, the application of alternative punishments of imprisonment, the semi-freedom system, etc., are among the important measures of the Criminal Code approved in 2013 in determining the punishment. Therefore, the law on reducing the punishment of imprisonment approved in 2019 as the last will of the criminal policy makers, was approved by the Islamic Council with the introduction of fundamental reforms in the Criminal Code. Therefore, the following article will follow the parameters of the risk-oriented criminal policy in the said law with descriptive-analytical method. The findings indicate that the platforms for the implementation of crime risk management in this law are facing a challenge and the lack of a specific theoretical basis in determining the punishment is the most important problem.

Keywords: Penalty Reduction Law, Crime Risk Management, Risk Management, Crime Risk, Punishment.